

نقش عالمان دینی و حوزه های علمیه در امر وحدت جهان اسلام

نقش عالمان دینی و حوزه های علمیه در امر وحدت جهان اسلام

بهرام دردی گری

چکیده:

مقدمه و بیان مساله: با مروری اجمالی بر آیه ها و روایات مشخص میگردد، فعالیت و مأموریت حوزه های علمیه بنا بر رسالتشان، برای هدایت انسانها در کل گیتی هستند و هیچگونه، مرز جغرافیایی و سیاسی آن را محدود نمیسازد. همچنان که امام خمینی(ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب، بر رسالت جهانی حوزه های علمیه تأکید دارند. حضور حوزه های علمیه در محیط های تقریبی و وحدت جهان اسلام، ورود به محیطهای متلاطم و پیچیده است، محیطی که در آن تهدیدهای وفرصتهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را از یک سو با چالشها و مشکلات سهمگین و از سویی دیگر با ظرفیتهای گسترده و نامتعارف مواجه میسازد. حوزه های علمیه جهت تحقق آرمان خود برقراری نظام جهان شمول اسلام، تشکیل امت واحده ی جهانی در سراسر گیتی با پیشوایی صالحان و مستضعفان، با تبلور ارزشهای اسلامی در زندگی بشر، آزادی کامل انسان از انواع قیدها، اسارتها فکری، زائد، مخرب، پایان مناقشه ها و رفع مخاصمات، تأمین ثبات، آرامش، امنیت در جوامع نیازمند حضوری توانمند در سطح ملی و فراملی است.

روش پژوهش: تحقیق حاضر براساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و بنیادی است و به لحاظ ماهیت و

روش، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی با تأکید بر توصیفی/تاریخی است. داده ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع اصیل تاریخی و پژوهش های انجام شده در این زمینه استخراج شده و به منظر دست یابی به نتایج علمی مورد تجزیه تحلیل تاریخی قرار گرفته اند. این تحقیق با مطالعه نظری، ادبیات موضوعی تحقیق بررسی، تجزیه و تحلیل و تشریح شده است. نخست طرح موضوع شده و حوزه های علمیه و رسالت جهانی آن بررسی و در ادامه مطالعه محیطی صورت گرفته است.

نتایج: از جمله نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان به ارائه الگوی متقابل وحدت-گفتگو با تأکید بر نقش حوزه های علمیه اشاره کرد. در این مدل، چنان که بدان اشاره شد، پرداختن به ضرورت وحدت و موانعی که مانع وحدت میان مذاهب اسلامی می‌شود، می‌تواند به عنوان پایه و اساس گفتگوی بین مذاهب مورد توجه قرار گیرد. اگر با احصای مشکلات و موانع موجود در میان راه وحدت میان امت اسلامی، به حل آن‌ها انجامیده شود، می‌توان به راهبرد گفتگو به مثابه یکی از محورهای اساسی برای وحدت میان شیعه و سنی نظر کرد؛ چنان که در دوره اخیر و از سوی بزرگان شیعه و سنی، محافل و مجالس این چنینی تشکیل شده و بر گفتگوی بین یکدیگر تأکید ورزیده و این را به عرصه عمل کشانده‌اند. این عرصه چشم انتظار مطالعات و تحقیقات نظری بسیاری است که هر یک می‌تواند بخشی از آن را حل و فصل کند و به وحدت حقیقی و نه صوری میان مذاهب اسلامی منجر شود و از اختلافاتی که باعث چشمداشت دشمنان اسلام شود، جلوگیری گردد.

کاربرد و آثار: اگر حوزه های علمیه با نگرش تمدنی امام راحل همراه نشوند، مساله تقریب و وحدت جلو نخواهد رفت. مساله ای که خاستگاه مذهبی دارد را باید مبلغان دین تبلیغ کنند. از همین رو ترویج گفتمان وحدت و تقریب در بدنه حوزوی از مهمترین و با اولویت ترین اقدامات مربوطه است. بهره گیری متناسب حوزه های علمیه از طرق مختلف برای تحقق هدفهای تقریبی هموار خواهد ساخت.

کلمات کلیدی: "حوزه های علمیه"، "وحدت"، "آثار"، "جهان اسلام".

بهرام دردی گری، دکتری تاریخ علم دوره اسلامی، email:bahramgray@gmail.com

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که جهان اسلام، امروزه با چالشهای مختلفی همچون تبلیغات منفی بر ضد اسلام و تلاشهای تفرقه‌انگیز دشمنانش روبه‌رو است، بنا براین ضروری است که برای غلبه بر این چالشها و بهره‌مندی مناسب

از فرصتها و ظرفیتهای گسترده امت اسلامی، با تکیه بر اصول ثابت و مشترک اسلام مانند: توحید، نبوت، معاد و غیره، زمینه‌های تقریب مذاهب اسلامی را برای مقابله با دشمن مشترک و به منظور قطع ایادی بیگانگان طمع و تحکیم عدالت اجتماعی و اخوت اسلامی بین مذاهب مختلف اسلامی اعم از شیعه و سنی هموار سازیم. بی‌شک عزت و اقتدار اسلام از محورهای عمده و بلکه اصلی‌ترین بنیان اندیشه‌ها و آمال مسلمانان دلسوز و مصلحان حقیقی است و هیچ مسلمان فهمیده‌ای نیست که نداند یکی از عوامل عزت و اقتدار اسلام، تقریب مذاهب مختلف اسلامی با وجود تمایزات و اختلافات است. به هر میزان این تقریب و هم‌گرایی در میان فرقه‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی پررنگ‌تر شود، به همان اندازه نیز فرصتهای بی‌شماری برای اظهار وجود و قدرت نمایی امت اسلامی در برابر زیاده‌خواهی‌های دنیای زر و زور مهیا خواهد شد. البته اگر در عرصه بیداری اسلامی عصر حاضر، دشمنانی در کمین نشسته باشند و در رویارویی با آن، نیرنگها به کار گیرند، امری عجیب و دور از ذهن و حتی واقعیت نیست؛ زیرا خصومت با اسلام و مسلمانان از راهبردهای دشمنان است. از سویی دیگر طبیعی است که در جریان بیداری اسلامی، گرایشها و شیوه‌ها و گروههای متعددی وجود داشته باشند و هریک طبق برنامه و روش خود در خدمت به اسلام گام بردارند، به شرط اینکه این تعددها و اختلافها به دور از تعصب و جمود فکری باشد. اما آنچه که مایه نگرانی است، شعله‌ور شدن دشمنی و کینه‌توزی در میان مذاهب و فرق مختلف اسلامی است، به گونه‌ای که مسلمانان بر ضد همدیگر به توطئه چینی و جنگ و دعوا برخیزند. در حقیقت اختلاف در مسائل فقهی و بعضی مسائل غیراساسی که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، در ذات خود خطرناک نیست و مقصود از تقریب مذاهب هم از بین بردن اصل اختلاف نیست، بلکه مهم‌ترین هدف این است که این اختلاف موجب عداوت و دشمنی نگردد و براساس مشترکات بین فرقه‌های اسلامی، دوری و مشاجره جای خود را به برادری و نزدیکی دهد. مسئله تقریب مذاهب یکی از مهم‌ترین ایده‌هایی است که اندیشمندان و دلسوزان مسلمان از روزگار آغازین اسلام تا به حال، بر مبنای تعالیم اسلامی و دیانت حقّ توحیدی پیگیر آن بوده و در مقابله با دشمنان اسلام و مسلمانان آراء و نظریاتی را در ابعاد مختلف، متناسب با مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند. در دهه‌های اخیر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) منادی ایده تقریب مذاهب بوده‌اند و بر همین اساس، انقلاب اسلامی شکوهمند ایران برای این تقریب گامهای ارزشمندی را برداشته است. هم‌اکنون نیز فضای هم‌آوایی، هم‌گرایی و تقریب در بین مسلمانان با اندیشه‌های انقلاب اسلامی سیر تکاملی دارد و ادامه این روند مستلزم این است که عموم مسلمانان اتفاق خود را در اصول آیین مقدس اسلام در نظر گرفته و تفرقه عملی را کنار گذاشته و در یک صف قرار گیرند و با ارائه طرحهای فکری و عملی مناسب تلاش نمایند علاوه بر جلوگیری از اختلافات داخلی فرقه‌های مختلف اسلامی، از نفوذ و توطئه دشمنان سوگند خورده در بین مسلمانان که بیش از هر چیز از وحدت امت اسلامی می‌ترسند، پیشگیری نمایند. مخصوصاً در سالهای اخیر که با ترفند جدید خود در صدد هستند برای اهل‌تسنن دشمن وهمی از شیعیان و همچنین برای اهل تشیع دشمن وهمی از اهل‌سنت و برای جهان عرب نیز یک دشمن وهمی از ایران ایجاد کنند (تسخیری، ص72). امروزه وحدت اسلامی و اتحاد بین مسلمانان؛ به خصوص شیعه و سنی، همان طور که ذکر شد از جمله اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین موضوعات در میان اندیشوران جهان اسلام به شمار می‌رود. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبران جهان اسلام، آن را به مثابه یک مسئله استراتژیک معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر (ص) دعوت نموده‌اند. لذا، وحدت و اتحاد بین مسلمانان و

پرهیز آنان از اختلاف و تفرقه، زمینه‌ای مساعد برای ایستادگی جمعی در برابر زورگویی‌های نظام سلطه و دفاع از منافع و حقوق جهان اسلام به شمار می‌رود. نوشتار حاضر بر آن است که بحث وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و نقش علمی فعال در حوزه‌های علمی، ارتباط محکم و وثیقی که با انقلاب اسلامی ایران و نظام اسلامی دارد؛ و آن را موضوعی قلمداد می‌کند که می‌تواند برای نظام اسلامی یک فرصت باشد. از این‌روست که مشاهده می‌شود کشورهای غربی که گسترش تفکر سیاسی اسلام در بین مسلمانان را به منزله طلوع دوباره تمدن اسلامی و افول سلطه استعماری غرب بر جهان اسلام می‌دانند، به شدت احساس خطر کرده و به دنبال تفرقه‌افکنی بین مسلمانان؛ از جمله شیعه و سنی هستند. بنابراین، راهبرد اتخاذی از سوی بزرگان و فعالان عرصه حوزه‌های علمی شیعه و سنی می‌بایست بر مبنای تقریب مذاهب اسلامی باشد تا تمام مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، امت واحد در برابر دشمنان اسلام شوند.

مفهوم‌شناسی وحدت

وحدت در لغت عبارت است از یگانه شدن، یگانه بودن و اشتراک گروهی از افراد و اشخاص در یک مرام و مقصد (دهخدا، 9/1160). به عبارت دیگر، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه‌ای واحد به شمار می‌روند، را می‌توان وحدت نام‌گذاری کرد. همچنین در کتاب لسان العرب الوحده فی المعنی التوحید؛ وحدت در معنا، یعنی یکی شدن. به عبارتی، اتحاد عبارت است از یکی شدن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی، یک جهتی و هماهنگی. همچنین آمده است: میروره الشیئین الموجدین شیئاً واحداً؛ دو چیز موجود به یک چیز تبدیل گردد (لسان العرب، 3/446).

وحدت در اصطلاح به معنی انفراد است. توضیح، آنکه واحد در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد. بنابراین، آن در هر موجود به کار می‌رود. چون واحد وصف خدا آید، معنایش این می‌شود که: او کسی است که تجزیه و تکرار در آن راه ندارد (قاموس قرآن، 7/187). نیز گفته‌اند منظور از «وحدت انسان‌ها»، توحید اعتقادی و دینی و کنار گذاشتن اختلافات فکری و اعتقادی و سلیقه‌ها میان آن‌ها نیست، بلکه مراد از وحدت، این است که با حفظ این اختلافات، نسبت به هم همدلی پیدا کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. به سبب اختلافی است که در این معنای مصطلح به وجود آمده و برخی وحدت را به معنای کنار گذاشتن اصول و حتی اختلاف فکری و اعتقادی بنیادین همدیگر دانسته‌اند (کتاب العین، 3/280).

از مفاهیمی که اشاره بدان در بحث از ضرورت و موانع وحدت، لازم به نظر می‌رسد، مفهوم وحدت اسلامی است. وحدت اسلامی، یعنی اینکه مذاهب و گروه‌های مسلمان، یکدیگر را به طور صحیح شناخته و از مواضع فکری و اعتقادی متقابل به صورت آگاهانه مطلع شوند و در راستای حفظ و گسترش کیان و آموزه‌های اسلامی از نزاعی که قرآن کریم از آن نهی نموده است، دوری کنند. همچنین برای دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم و اصول ثابت و مشترک اسلامی در برابر دشمنان مسلمانان، امتی متحد، تشکیل دهند. مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته، و مفترقات همه آن‌ها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ (مطهری، 2). بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آن‌ها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکّل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان (همان، 3). از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. هم چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین، بحث و استدلال نکنند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظرایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه‌نوزی در میان شان پیدا نشود، یا شعله‌ور نگردد، منات را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره، عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و در حقیقت، لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند (همان، 6-7). در حقیقت، التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است و در عصر پیامبر (ص) مورد قبول همه بوده است. این آیه شریفه اشاره به این مهم دارد که همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی، تلاش و کوشش می‌کنید، باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح و اتحاد، به طور جدی و قاطع وارد عمل شوید. همه مؤمنان، برادر یکدیگرند، و نزاع و درگیری میان آن‌ها را درگیری میان برادران نامیده، که باید به زودی جای خود را به صلح و صفا بدهد (مکارم شیرازی، 22/177). بر این اساس می‌توان ادعا کرد که همین مشترکات است که معیار اخوت اسلامی به شمار می‌رود. در واقع، هدف آن است که مسلمانان بر اساس اصول مشترک اسلامی در ابعاد مختلف عقیدتی، فقهی و اخلاقی خود را امت واحد بدانند و در سرنوشت یکدیگر سهیم باشند. مقصود از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن همه مذاهب نیست. تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات رفت و باید دانشمندان هر مذهبی در گفت‌وگوی علمی خود، دانش خود را مبادله کنند، تا در یک محیط آرام بدانند، بشناسند، بگویند و نتیجه بگیرند.

بعد از اشاره و پرداختن به مفاهیم مرتبط با بحث، اینک می‌بایست مراد از وحدت شیعه و سنی را تبیین کرد که در مفهوم قبلی نیز اندک اشارتی بدان شد. منظور از وحدت شیعه و سنی، کنار گذاشتن مسائل اختلافی و تکیه بر مشترکات و مبنا قرار دادن آن‌ها در تعامل با یکدیگر و در مسائل مربوط به جهان اسلام و صحنه بین‌المللی است. به گونه‌ای که مسلمانان فارغ از اختلافات و با پرهیز از تفرقه در مسائل جهان اسلام، به صورت هم‌سو و هم‌جهت حرکت کنند. به عبارت دیگر، اختلافات نباید مانع از اخوت اسلامی و وحدت صفوف مسلمین شود (جعفریان، 124). بنابراین، می‌توان این گونه بیان کرد که معنای اتحاد شیعه و سنی، دست برداشتن و کوتاه آمدن از اصول و اعتقادات مذهب خویش نیست، بلکه در عین وجود اختلافات، زمینه تعامل و جهت‌گیری یکسان در مسائل کلی و بین‌المللی در میان آن‌ها وجود دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. منظور از وحدت، یکپارچگی و همزیستی مسالمت‌آمیز است. به تعبیر دیگر، اختلاف در بعضی از اعتقادات و احکام و اختلاف منابع، که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، نباید موجب جدایی و دوری قلب‌های مسلمانان از یکدیگر شود، بلکه باید همه فرقه‌های اسلامی با کمال شرح صدر و وسعت نظر، عقاید و افکار یکدیگر را درک و تحمل نمایند و در عین حال که در صحنه کاوش و تحقیق و بحث و استدلال در فضای علمی تلاش می‌کنند، در عرصه زندگی اجتماعی و تعامل با توجه به مصالح مسلمین، با سماحت، یکدیگر را درک و به عناصر مهم تشکیل‌دهنده وحدت توجه و در راه تحقق آن بکوشند (سبزیان، 39). بنابراین، مراد از وحدت، برداشتن موانع و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مسلمانان می‌گردد. از طرفی، دست دشمنان اسلام بر آنان دراز می‌شود و از طرف دیگر در درون خود گرفتار می‌شوند و از حرکت و پیشرفت و رفع فقر و جهل و حل مشکلات جامعه باز می‌مانند و به خود مشغول می‌شوند، عقل دینی و خرد جمعی حکم می‌کند که، حفظ آرمان‌های اصلی، مهم‌تر از منازعات و دعوای بخش‌نگر است (شهیدی، 63).

اهمیت موضوع

حضور حوزه‌های علمیه در محیط‌های فراملی، ورود به محیط‌های متلاطم و پیچیده است، محیطی که در آن تهدیدهای و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را از یک سو با چالش‌ها و مشکلات سهمگین و از سویی دیگر با ظرفیت‌های گسترده و نامتعارف مواجه می‌سازد. از جمله مفاهیمی است که در سه دهه‌ی اخیر تمامی عرصه‌های فعالیت بشری را از جمله (Globalization) جهانی شدن عرصه‌ی فعالیت‌های علمی- فرهنگی به خود مشغول داشته است. سیر تحول تکنولوژی در عرصه‌ی ارتباطات و پیدایش انقلاب اطلاعات در نیمه‌ی دوم قرن بیستم زمینه‌ی گذر از محدودیت‌های جغرافیایی- ملی را فراهم ساخته و این امر موجب کوچک‌تر شدن جهان و تبدیل عرصه جهانی به یک دهکده گردید که ساکنان آن را در ارتباط مستقیم با یک دیگر قرار داده است. غفلت مدیران در اداره‌ی مراکز دینی در این عرصه‌ی فراملی نسبت به موارد ذکر شده پیامدهای غیرقابل جبرانی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین مدیریت

در پهنه ی جهانی الزام های کاملاً نوینی را در مدیریت حوزه های علمیه طلب می کند تا اداره ی این نهادها و سازمانها به گونهای معقول و هماهنگ با تحولات درونی و بیرونی تنظیم گردد. با توجه به سرعت بالای تغییرهای، حضور رقیبان قدرتمند؛ نیازهای روزافزون مخاطبان؛ حوزه های علمیه جهت ارتقاء سطح اثربخشی؛ و کارآمدی خود نیازمند شناخت فضای رسانهای با توجه به تغییرهای پیرامون خود جهت مقابله با تهدیدها و بهره گیری از فرصتها جهت نفوذ در مخاطبان است. به عبارت دیگر، تثبیت، رشد و افزایش کارآمدی حوزه های علمیه در محیط فراملی در امر تقریب و وحدت اسلامی است. با توجه به نکته های بیان شده این تحقیق در پی آن (improvement Continous) نیازمند اصل بهبود پیاپی است تا با شناخت دقیق فرصتها و تهدیدهای فراروی حوزه های علمیه در بعد تقریب و وحدت اسلامی، مبنایی را برای طرح ریزی راهبردهای اثر- بخش جهت حضور تأثیرگذار حوزه های علمیه در سطح جهانی و تقریب و وحدت اسلامی ارائه نماید.

حوزه های علمیه

هدایت انسانها به تماس، ارتباط با آنها، برخوردهای مناسب و گفتگو و استدلال نیاز دارد؛ از این رو است که خداوند در میان خلقت فرستادگانی دارد که از جانب او با بندگان او سخن میگویند و آنها را راهنمایی میکند؛ به سویی مصلحت هایشان و منفعت هایشان و آنچه با آن می مانند و در ترک آن نایب می شوند. انبیاء همراه با بینا^ت- روشن و روشنگر- به سویی مردم فرستاده شده اند؛ روشن چون در سطح فهم هر کس با او سخن میگویند و روشنگر چون انسان را از تاریکی جهل و ابهام بیرون می آوردند. کار و حرکت انبیاء به دست جانشینان ایشان انجام و ادامه یافته است. همان سنت و روش زنده نگاه داشته شده و همان سخنها از این زبانها گفته میشود.

دین با بعثت رسول و هدایتهای او آغاز میشود. او در این سیر اماناء، جانشینان و وارثانی دارد که در حضور و در غیبت او هم راه اویند و سخن او را بر مردمان میخوانند. اینگونه است که حوزه در کنار رسول(ص) و در کنار خلفای او متولد میشود. دین در عصر حضور حجتی خدا، نیازمند حوزه های علمی است تا پیام دین مفهوم شود و به دست همه ی اقوام برسند چه رسد به عصر غیبت که چه در عرصه ی تبیین دین و چه در تطبیق آن بر شرایط، حوزه فضایی است که در آن خلفای رسول پرورش می یابند؛ کسانی که شأن و شغل خویش را همان تلاوت و تزکیه و تعلیم میدانند و سنت رسول را زنده میکنند.

(وَمَا كَانَ الِإِْمُؤْمِنُؤْنَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)سوره توبه ایه 122: تشکیل حوزه ها در حقیقت پاسخی است که به پیام نهفته در این آیه داده شده مؤمن کسی است که نه تنها دین را پذیرفته و به آن تسلیم شده، بلکه دین و اعتقادهای دینی در احساسها و دغدغههای او داخل و جزو دغدغه های ثابت او شده است.

جماعتي اين چنين همگي كوچ نميكنند و به دنبال جهاد و يا هر امر مهم ديگر حوزه ي هدايت را خالي نميگذارند كه مؤمن دغدغه ي هدايت بندگان خدا را دارد و ارشاد جاهل، تنبيه غافل و پرورش نسل تازه را مهمترين وظيفه ي خود ميداند. شرط اول بهره گيري از تعليم هاي دين و رسيدن به كمال، تفقه در دين است و اين نياز اولين علت تشكيل حوزه هاي علمي ميباشد كه نياز به هدايت؛ نياز به وحى؛ بعثت انبياء را؛ نياز به توسعه و تداوم هدايت؛ نياز به حوزه و عالمان دين را گوشزد ميكند. تبين وحى و پيام خدا در برابر سئوالها و شبهه ها، تطبيق آن بر شرايط متنوع و متفاوت جز با حوزه و عالمان حاصل نميشود كه به توليد علم مي پردازند و طراوت وحى را براي هر زمان و مكاني حفظ ميكنند. همچنين، ادامه ي حركت انبياء در تلاوت مستمر آيات حق، تزكيه و تعليم بندگان خدا جز با پرورش رجالي توانمند ممكن نخواهد بود؛ رجالي كه آيه هاي حق را بشناسند و با آگاهي از حالات مخاطبان آيه هاي مناسب را پي در پي بر ايشان تلاوت كنند، رجالي كه آلودگي ها و وابستگي را بشناسند و شيوه هاي تزكيه، را بدانند و در به كارگيري مداوم و تدريجي آنها توانا باشند؛ رجالي كه نه تنها بر كتاب و حكمت مسلط، بر آموزش پي در پي و گام به گام آن نيز قادر باشند. فلسفه ي وجودي روحانيت و حوزه هاي علميه در دوره ي غيبت، تداوم راه انبياست. شناخت، تبين و تبليغ دين، پاسخگويي به پرسشها، مشكلات فكري و در نهايت پياده كردن تعاليم حيات بخش اسلام برعهده ي حوزه هاي علميه و روحانيت است. انجام اين وظيفه ها، در همه ي زمانها به طور يكسان نيست. در گذشته، حوزه ها با شمار اندكي از انسانها و با نيازهاي محدود روبه رو بودند؛ امروزه با تحقق انقلاب اسلامي، گسترش جهاني اسلام، اقبال و گرايش روز به روز مردم تمامي نقاط گيتي به دين مقدس اسلام مسئوليت سنگين و بزرگ پاسخگويي به نيازهاي جهاني را متوجه ي حوزه هاي علميه نموده است. به نظر ميرسد.

اين رويکرد نيازمند تحولاتي گسترده و مطلوب در تمامي ابعاد به خصوص مديريت ارتباطات است.

دين مقدس اسلام، داراي ويژگي جهان شمولي و پاسخگويي به نيازهاي همه ي زمانها است از اينرو حوزه هاي علميه كه در عصر غيبت مفسر و مروج احكام شريعت اند بايد به افقها و چشم اندازهاي آينده نگريسته و خود را آماده ي اين تحولاتي بنمايند. نيازهاي عميق و گسترده ي حوزه در سطح جهاني نيازمند شرايط مطلوب و برارنده بر نظام حوزه اي است.

حوزه هاي علميه و رسالت جهاني تقريبي

با مروري اجمالي بر آيه ها و روايات مشخص ميگردد، فعاليت و مأموريت حوزه هاي علميه بنا بر رسالتشان، انسانها در كل گيتي هستند و هيچگونه، مرز جغرافيايي و سياسي آن را محدود نميسازد.

همچنان كه امام خميني(ره)، بنيانگذار انقلاب اسلامي و رهبر فرزانه انقلاب، بر رسالت جهاني حوزه هاي

علمیه تأکید دارند. حوزه های علمیه جهت تحقق آرمان خود برقراری نظام جهان شمول اسلام، تشکیل امت واحده ی جهانی در سراسر گیتی با پیشوایی صالحان و مستضعفان، با تبلور ارزشهای اسلامی در زندگی بشر، آزادی کامل انسان از انواع قیدها، اسارتها فکری، زائد، مخرب، پایان مناقشه ها و رفع مخاصمات، تأمین ثبات، آرامش، امنیت در جوامع نیازمند حضوری توانمند در سطح ملی و فراملی است.

رسانه

هر ابزاری که موجب تأثیر در حواس گردد (Media) رسانه ابزارهای رسانه شناخته میشود میتوان به عکس، منبر، تلویزیون، اینترنت، رادیو، کتاب، روزنامه، مجلات، سینما و ماهواره اشاره کرد که می تواند نقش بسزایی در امر گسترش تعلیمات اصیل اسلامی با تأکید بر حوزه ی دین و حوزه های علمیه داشته باشد.

کارکرد رسانه در حوزه ی دین و حوزه های علمیه

بهره گیری متناسب حوزه های علمیه از رسانه راه را برای تحقق هدفهای زیر هموار خواهد ساخت:

افزایش بینش و بصیرت الهی مردم

امر به معروف و نهی از منکر

ایجاد وحدت و کاهش اختلافات

ایجاد وحدت و همبستگی در ادیان توحیدی

ترویج حق و مقابله با باطل

آزادی انسان از هر نوع اسارت

رهایی انسان از ظلمت و هدایت به روشنایی

ایجاد جامعه متقین

اقامه سنتها و حدود الهي و منکوب شدن بدعتها و انحرافات

مقابله با تبليغات مسموم عليه معارف الهي

حمایت از مظلومان، مخالفت با ستمگران، زیاده خواهان و مستکبران

ایجاد حکومت جهانی اسلام

حضور در سراسر گیتی

معرفی اسلام و حکومت اسلامی در سراسر گیتی

مقابله با تهاجم فرهنگ مبتذل مادی و غیرالهی

ضرورت وحدت و گفتگو در حوزه های علمیه

با توجه به آنجا در ایضاح مفهومی و پرداختن به مفاهیم عمده در این بحث بدان اشاره شد، وحدت میان مسلمانان که زمینه ساز متقابل گفتگو می باشد، ضروری به نظر می رسد. جوامع امروزی چند مذهبی، چند ملیتی و چند فرهنگی، بدون گفتگو و همکاری مشترک قادر نیستند تا مایه خیر و برکت برای انسان ها و اجتماعات باشد. ضروری است گفتگو به عنوان برکتی از جانب خداوند، محور زندگی و فعالیت همه ادیان و مذاهب مختلف قرار گیرد. آنچه به زندگی روزمره انسان ها و در فعالیت و روابط آن ها قوت بخش و باعث استحکام و ماندگاری و تعامل دوجانبه و چندجانبه آنهاست، گفتگوست. (حسین خانی و رجایی نژاد، 1394، ص 18)

گفتگو، محور شناخت

در ضرورت و اهمیت گفتگو بین مذاهب می توان گفت با گفتگوست که شیعه و سنی در حوزه های علمیه به این درک مشترک می رسند که آن ها نه تنها خدای واحد و یگانه را می پرستند، قرآن و پیامبر مشترک دارند، بلکه دارای نقاط مشترکی هستند که به جایی دور کردن و تفرقه بین آن ها موجب نزدیکی بین آن ها می شود. در حقیقت، پیروان مذاهب مختلف به طور عام، و شیعه و سنی به طور خاص، به تبعیت از اصل مهم و ضروری گفتگو، اقدام به برگزاری گردهمایی ها، دیدارها و کلاس های درس و مطالعات می کنند تا به شناخت بهتر از یکدیگر نائل شوند و بر

اساس این شناخت بر ارزش‌های معنوی مشترک تأکید کنند.

"علاج اصلی، برای امروز دنیای اسلام، «اتحاد» است؛ علما و روشنفکران اسلام می‌بایست منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا آدم کج‌فهم، متعصب به فرقه‌های اسلامی، نتواند آزادانه، جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند." (بیانات رهبری، 17/1/86).

موانع وحدت و گفتگو

بحث از موانع وحدت و گفتگوی مذهبی، همواره از مهم‌ترین محورهای بحث میان شیعه و سنی بوده است؛ به گونه‌ای که بزرگان هر دو مذهب، شناسایی این موانع را پایه‌گذار مراحل بعدی و در نهایت، ایجاد گفتگو بین دو مذهب قلمداد می‌کردند.

گفتمان علمی و تبادل آراء با تأکید نقش علماء در حوزه های علمیه

اولین و مهم‌ترین راهکار جهت هم‌گرایی مسلمانان در عرصه بین‌المللی، گفتمان علمی علماء در حوزه های علمیه است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی، فرقه‌های اسلامی در کنار هم فرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسائل مشترک تأکید نمایند و با اصول و مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا عدم آشنایی کامل، ریشه بسیاری از بدبینیها است. وقتی که قرآن کریم در آیه «وَبَشِّرِ الْعِبَادَ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، 17و18) مسلمانان را به گفتگوی مسالمت‌آمیز با کفار و اهل کتاب برای رسیدن به حقیقت دعوت می‌نماید، بر مسلمانان به طریق اولی لازم است که اختلافات خود را از طریق گفتگوی سالم و رعایت آداب آن حل و فصل کنند؛ زیرا در سایه جهاد علمی مسلمانان خواهند فهمید که اختلاف نظر در برخی از مسائل فرعی و فقهی، ضرری به وحدت دینی آنها وارد نخواهد ساخت (گروهی از نویسندگان، 143). این معرفت را علاوه بر گفتمان علمی، می‌توان با تبادل محصولات مذهبی که به نوعی با هنر نیز ممزوج باشد، شبیه فیلمهای تلویزیونی و سینمایی و یا پدیده‌های هنری دیگر توسعه داد.

اختلاف و تفرقه میان مسلمین

بحث اختلاف و تفرقه بین مذاهب اسلامی، نه برای امروز، بلکه از دوران‌های پیشین نیز در میان امت اسلامی

و در میان مذاهب اسلامی وجود داشته و مانع از گفتگوی مذهبی بین آنها بوده است؛ برخی بر آن بودند که این مشکل را به گونه‌ای حل کنند. چنان که برای نمونه علامه محمد حسین کاشف‌الغطاء، که به حق یکی از منادیان اصلی وحدت و گفتگوی بین مذاهب بود، با نگارش کتاب‌هایی چون الدین و الاسلام، المراجعات و مقالاتی چون جمعیت تقرب بین مذاهب اسلامی و مقاله الاجتهاد فی الشریعه در مجله رساله الاسلام، نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت میان مسلمین؛ اعم از شیعه و سنی ایفا کرد.

کاشف‌الغطاء در مقدمه‌ای که برای کتاب اصل الشیعه و اصولها نوشته، به ضرورت وحدت اشاره کرده است. وی در این مقدمه، ضمن تبیین اهمیت وحدت و ضرورت آن در نگاه عقلی جهان، به تلاش مصلحانی که پیش از وی منادی وحدت بودند، نیز اشاره و از تلاش‌های آنها تجلیل کرده است. به باور کاشف‌الغطاء «امروز، بیماری خطرناک مسلمانان، پراکندگی و عدم انسجام آنهاست و تنها داروی حیات بخش برای آنها و همین طور برای گذشتگان، اتحاد و اتفاق و همکاری با یکدیگر و به دور افکندن تمام عوامل عداوت و کینه و دشمنی بوده و خواهد بود» (کاشف‌الغطاء، آیین ما، 41-42).

وی همواره خواهان کنار گذاشتن اختلافات و تفرقه از سوی مسلمانان و متحد شدن آنها در برابر دشمنان بود تا بدین وسیله دشمنان نتوانند از اختلاف میان مسلمین سوء استفاده کرده و به دین اسلام ضربه بزنند. وی که همواره تأکید می‌کرد که اسلام بر دو پایه استوار است: کلمه توحید و توحید کلمه، به طرق مختلف، پیام‌های دعوت کننده به وحدت خویش را به مسلمانان یادآور می‌شد. در یکی از پیام‌های این مرجع شیعی وی هدف خود را از وحدت و تقرب میان مسلمانان، نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر و کنار گذاشتن اختلافات فقهی بیان می‌کند (بی‌آزار شیرازی، 88). کاشف‌الغطاء با تبیین اتحاد و وحدت میان فرقه‌های اسلامی و میان مسلمانان، بر جدی گرفتن این مسئله از سوی مسلمین تأکید شدید داشت. تا آنجا که جنگ‌های صلیبی، حمله مغول‌ها به امپراتوری اسلامی و نفوذ استعمار نوین غربی در جهان اسلام را معلول فقدان اتحاد میان مسلمانان می‌دانست. در نتیجه، تلاش وی در دفاع از تشیع و شناساندن آن نیز به انگیزه از بین بردن و زدودن غبارهای سوء تفاهم میان دو مذهب بزرگ اسلامی و نزدیک‌تر ساختن آنها بود (رجبی، 386). وی که دلسوزانه، قضیه وحدت و اتحاد اسلامی را میان مذاهب اسلامی و کشورهای اسلامی دنبال می‌نمود، با بیان این مطلب که اگر مسلمانان، همدست بودند، این همه ممالک بزرگ را از دست نمی‌دادند و هفت دولت بزرگ اسلامی در برابر ملتی کوچک شکست نمی‌خورد. اختلاف و جدال میان مسلمین را در شرایطی که دشمنان از هر سو مسلمانان را احاطه کرده‌اند، حرام می‌دانست و معتقد بود: بر تمام فرق اسلامی لازم است که جدال‌ها و اختلافات را کنار گذارند؛ چه اگر این عمل ذاتاً حرام نباشد، مسلماً در این زمان که دشمن از هر طرف، ما را احاطه کرده، حرام است (بی‌آزار شیرازی، 89-90). نکته مهمی که در بحث از دیدگاه این منادی بزرگ گفتگوی مذهبی پرهیز ایشان و توجه وی به وحدت‌های صوری و تشریفاتی بود که مورد نکوهش و مذمت بود. چنان که ایشان به یکی از تجمعات برای ایجاد وحدت در شهر قدس با عنوان مؤتمر بزرگ اسلامی اشاره کرده و می‌نویسد: در آن روز، جمعی از بزرگان جوامع اسلامی برای بررسی مسائل مهم و حیاتی مسلمین و مبادله مراتب دوستی و محبت، بدون توجه به اختلاف مناطق جغرافیایی و نژاد و ملیت و مذهب، در آنجا گرد آمده بودند. اجتماعی که در نوع خود،

بی‌نظیر و چشم تمام مسلمانان به آن دوخته شده بود، ولی علی‌رغم این مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها که این بزرگان برای نیل به هدف مذکور و پاشیدن بذر اتحاد در افکار عمومی مسلمانان به امید این‌که روزی نهال برومندی گردد و همه از ثمرات لذت‌بخش آن، بهره‌مند شوند، هیچ ثمره‌ای عاید نشد (کاشف الغطاء، 42-43). علی‌رغم این همه رؤیاهای شیرین، تنها به سخن بسنده شد و هیچ قدم مثبت عملی و مفیدی برداشته نشد. تنها به طواهر پرداختیم و از حقایق دور ماندیم. از هر چیز به پوست آن راضی شدیم و به مغز اهمیت ندادیم. به عکس نیاکان ما، همان مسلمانان فعال و پرجنبشی که قبل از آنکه بگویند، عمل نشان می‌دادند و پیش از آنکه حرف بزنند، تصمیم می‌گرفتند (همان، 44).

همان طور که از سخنان کاشف الغطاء بر می‌آید، ایشان نسبت به وحدت‌های صوری و شکلی واکنش نشان می‌دهد و از همه مسلمانان می‌خواهد تا به وحدت عملی دست یابند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند. قرآن کریم هشدار شدیدی درباره اختلاف میان مسلمین داده و می‌فرماید: *إِنَّ السَّادِّينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَرِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِذْنٌ مَا أَمَرُهُمْ إِلَّا بِاللَّهِ* (انعام، 159) «ای پیامبر! کسانی که در دین خدا جدایی افکندند و به گروه‌های مختلف و متخاصم تبدیل شدند، هیچ رابطه‌ای با تو ندارند». یعنی راه و رسم آن‌ها به کلی از راه و رسم تو جداست، آیین تو آیین وحدت و برادری و اخوت و محبت است؛ نه آیین خشونت و اختلاف. و *تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ* * *مِنَ السَّادِّينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَرِيعًا* (روم، 31 و 33) «از مشرکان نباشید همان‌ها که در دین خود جدایی افکندند و به گروه‌های مختلف و متخاصم مبدل شده‌اند»؛ یعنی اختلاف در میان مسلمین، همانند شرک به خداست.

راهبردهای وحدت و گفتگوی بین مذاهب با تاکید بر حوزه‌های علمیه:

در بحث از راهبردها پرسش اساسی و مهم این است که: اتخاذ چگونه موضعی از سوی ما، به عنوان افرادی که پیرو دین و یا مذهبی هستیم، نسبت به آنان که بر راه و روش دین و مذهب دیگری هستند، شایسته است؟ بدیهی است که هر پاسخی به این پرسش در مقام نظری، سرنوشت موضع پیروان یک دین و مذهب را در نوع رفتار، اقدام و عمل تعیین خواهد نمود. با یک دسته‌بندی کلی از مباحث مختلف مطروحه در این باره و با استخراج نظرات بزرگان و متفکران ادیان و مذاهب مختلف، سه نوع پاسخ به پرسش فوق، قابل تصور است:

الف) تقابل؛ به مفهوم ردّ مطلق اندیشه دیگر و سپس ردّ قائلین به آن اندیشه، از رایج‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش است. در این شکل از تفکر، پیروان یک دین و مذهب (یا اصولاً یک اندیشه)، قوام و تثبیت اندیشه خود را منوط به حذف اندیشه‌های (نادرست) دیگر یا اندیشه‌های مزاحم یا رقیب می‌دانند، یا حداقل این حذف را در راستای تحکیم موضع خود، عملی مفید قلمداد کرده، آن را نشانی از وفاداری کامل به اندیشه خود قلمداد می‌کنند. در این موضع؛ یعنی موضع تقابل، آنچه مطرح است، کاستن از حجم گستره نظام فکری دیگر و افزودن به گستره خودی از هر طریق و شیوه ممکن است. در اینجا گفتگو با دیگری مطرح نیست، یا تنها در حدی موضوعیت می‌یابد که بتوان

از آن به عنوان روشی در راستای کاستن و افزودن فوق سود برد. در نتیجه چنین تفکری، به پیروان دیگر ادیان به چشم دشمنان بالقوه^۱ای خواهد نگرست که در صورت فعلیت، حذف فیزیکی خود وی را در پی خواهند داشت. این شیوه فکری، در آنجا به عملی خواهد انجامید که قائلین به آن، از دو دین یا فرقه گوناگون در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ب) تحمل؛ نیز پاسخی دیگر به جهان کثرت زده فکری بوده است. در این نگرش، نباید با متفکران مذهب رقیب، مقابله حذفی داشت؛ چرا که شرایط و یا قوانین حاکم اجتماعی چنین اقتضا می‌کند. برای ایجاد جامعه^۲ای آرام و جهانی مورد پسندتر، برای ایجاد زمینه زندگی آرام و بی‌نزاع خودمان و به منظور عدم تحریک افکار عمومی، از حق مسلم خود مبنی بر حذف ایشان گذشت کرده، به تحمل ایشان تن در می‌دهیم و با اکراه برای ایشان، حق حیات و برخی حقوق شهروندی قائل می‌شویم. بدیهی است که این شیوه فکری، تقابل را نه تنها نفی نمی‌کند، بلکه خود نیز اگر موانعی اجتماعی و سیاسی وجود نداشته باشد، به سطح آن فرو می‌غلطد.

ج) همزیستی میان پیروان اندیشه^۳های گوناگون، سومین نوع پاسخ و واکنشی دیگر به پرسش مورد نظر است. در این دیدگاه، قائلین به اندیشه^۴های گوناگون، اولاً نه تنها همجواری و همراهی و یگانگی را بر تقابل و رویارویی ترجیح می‌دهند، که آن را از نعمات و آیات الهی می‌بینند. ثانیاً این همراهی و همزیستی، نه از سر اجبار و اکراه یا تجمل اجتماعی، که از اعتقادی ژرف و اعتمادی قلبی بر می‌خیزد. به راهبردهای مهمی اشاره کرد که در بحث گفتگوی مذهبی می‌توان از آن^۵ها استفاده کرد؛ 1) حضور در عبادات و شعائر مذهبی اجتماعی که در ذیل نماز جماعت، نماز جمعه و عیدین، تأکید بر فریضه حج، تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، تحقق می‌پذیرفت؛ 2) تأکید بر روابط اجتماعی و عاطفی و اخوت دینی در میان مسلمانان؛ 3) مدارا و اخلاق^۶مداری در برخورد با مخالفان که در این موارد صورت می‌گرفت؛ 4) خوش^۷خلقی و ملایمت؛ 5) پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی؛ 6) رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان؛ 7) تأکید بر رعایت حقوق اجتماعی و مدنی^۸(آقانوری، 35).

نقش علما و اندیشمندان در حوزه های علمیه با تاکید بر خطا بها و توصیه های مقام معظم رهبری

از بزرگترین ظرفیتهای معنوی جهان اسلام وجود هزاران اندیشمند و عالم فرهیخته‌ای است که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی به تلاشهای علمی و مجاهدت و هدایت امت اسلامی مشغولند، عمده خطا بها و توصیه های مقام معظم رهبری متوجه این طیف از پیکره امت اسلامی است. ایشان درباره نقش عالمان در هدایت و همدردی با مردم میفرماید: «روحانیان و رجال دین^۱شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده^۲اند و هر جا که در هنگامه^۳ تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده^۴اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره^۵ آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه^۶ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزشهای^۷ اسلامی، دغدغه^۸آفرین و نامطلوب است و سعی می‌کنند این

مرجعیت فکری را از پایگاههای دینی سلب کرده و قطبهای جدیدی برای آن بتراشند» (9/2/1392).

در این قسمت به رسالت و کارکرد علما و نخبگان جهان اسلام از دیدگاه معظم له میپردازیم:

الف) اهتمام علمای شیعه و سنی به حفظ وحدت: «من عرض می‌کنم علمای شیعه و سنی، در هر جای دنیا که هستند، و از جمله در کشور عزیز ما، باید مواظب باشند. این وحدت در ایران، گران به دست آمده است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هر که بشکند خیانت کرده است؛ هر که می‌خواهد باشد، فرقی نمی‌کند سنی باشد یا شیعه» (14/06/1372).

ب) زمانشناسی علما برای تحقق تقریب: «امروز تقریب یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود. این خلأ زمان است - بیش از همه زمانهای دیگر - ما باید آن را پر کنیم. خوشا به حال انسانهایی که بتوانند خلأ زمان خودشان را پر کنند؛ خواست لحظه را بفهمند و آن را برآورده نمایند. بعضی کارها اگر در لحظه خاصی انجام بگیرد، مفید است؛ اگر در آن لحظه انجام نگیرد، ای بسا آن فایده را نخواهد داشت» (1/7/1370).

ج) انطباق دیدگاههای مذاهب و نزدیک کردن فتاوی به یکدیگر: «علمای اسلامی باید کوشش کنند. فقها و متکلمان و فلاسفه اسلامی بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند و آنها را در مجموعه‌هایی جمع نمایند تا نظرات فریق مختلف اسلامی در مجموعه واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همه مسلمانان قرار بگیرد. این، از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است ... فریق گوناگون مسلمانان سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود» (24/7/1368 و 24/7/1368).

د) گفتگو و مباحثه علمای فرقههای اسلامی برای رفع سوء تفاهمات و تعدیل و تقریب فکری: «امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فریق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهمها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل، و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود» (1/7/1370).

هـ) بهره‌گیری از تحقیق و پژوهشهای یکدیگر: «در مرحله فقهی نیز تبادلنظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فریق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی،

تحقیقات و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دارند؛ دیگران می‌توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید» (1/7/1370).

و) برگزاری جلسات و انجام کارهای مشترک: «علمای شیعه و سنی با هم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، با هم حرف بزنند. ما کارهای مشترکی داریم. خیلی خوب؛ شما فقه خود را تبیین کن، تدریس کن، شما هم فقه خود را تبیین کن، تدریس کن. شما فقه جعفری بگو، شما فقه شافعی بگو. عقایدتان را داشته باشید، اما کارهای مشترک هم میتوانید بکنید. بنشینند این کار را بکنند؛ منتها نه در منظر و مرئی مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث کنند؛ او استدلالش را بگوید، آن استدلالش را بگوید؛ یا یکی قانع میشود، یا قانع نمیشود؛ اینها اشکال ندارد؛ لیکن علی‌رغم همه اینها، یک امور مشترکی وجود دارد؛ یک دردهای مشترکی هست که درمانهای مشترکی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند» (20/07/1390).

ز) ارائه و تبیین نمونههای عملی تقریب: «شما می‌بینید برجستگان مبارزه با استعمار و استکبار، روی مسئله «وحدت امت اسلامی» تکیه مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله با استعمار نگذارند این وسیله راحت در دست استعمار، به یک حربه علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه وحدت اسلامی اصرار می‌کرد» (25/10/1385).

«نام رهبران و شخصیت‌های برجسته چون سید جمال‌الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل‌الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و دهها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و متنفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است. -در دوران معاصر هم نام درخشان امام خمینی عظیم چون ستاره پرفروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران می‌درخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیرمعروف نیز، امروز و دیروز، نقش‌آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده‌اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غیرروحانی همچون حسن‌الله‌بنا و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب‌انگیز است» (9/2/1392).

«ما در میان خودمان و در جوامع دیگر، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکرر این را دیده‌ایم که برادران شیعه و سنی کنار هم می‌نشینند و در مسائل عملی و سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت اسلام، طوری با هم تبادل نظر می‌کنند که اصلاً به یادشان نیست که این مذهبش چیست و آن مذهبش چیست. ما همواره این احساس را در خودمان مشاهده کرده‌ایم و در بسیاری از معاشرانمان از اصحاب مذاهب مختلف، این را دیده‌ایم» (1/7/1370).

ح) تدوین آثار مفید و جلوگیری از نشر کتب و آثار تفرقه‌انگیز: «یکی از موارد توجه این مجمع (مجمع تقریب مذاهب) باید همین مورد باشد. بحث مذهبی نکنند، کتابهای متعدد بنویسند، استدالات کلامی نکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتابها بیاورند - این مقوله دیگری است - اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است، منتشر نکنند؛ روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعاً چگونه می‌تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف و نظارتی پیدا کند» (1/7/1370).

«البته یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز است؛ چه در محیط شیعی، چه در محیط سنی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته می‌شود و پولهای خرج می‌شود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این‌گونه آثار، همه‌جا هم منتشر می‌شود. ما نمی‌گوییم که در ایران مطلقاً منتشر نمی‌شود؛ نه خیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده می‌شود. آثار کینه‌برانگیز و تفرقه‌انگیزی از طرفین منتشر می‌شود» (1/7/1370).

ط) عدم طرح مسائل تفرقه‌انگیز: «بزرگان علما، چه شیعه، چه سنی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجه نکنند که اختلافات بین فرقه‌های اسلامی نباید موجب بشود که ما یک جبهه جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهروزی مردم منطقه است، غافل بمانیم» (14/6/1392).

«مبادا دستهای تفرقه‌افکن و مغرض و یا نادان - که گاهی ضرر آدمهای نادان از آدمهای مغرض کمتر نیست - با حرف و شعار و نطقی، ایجاد اختلاف کنند. مغرض و جاهل، در نتیجه عمل یکسانند. همه - مخصوصاً کسانی که زبان و حنجره‌شان برای گفتن و حرف زدن باز است - مراقب باشند با هیچ حرکت و اشاره‌ای، موجب اختلاف بین مردم نشوند. ... این، اساس قضیه است. اگر وحدت با انسجام و استحکامی که تاکنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئناً این ملت و کشور به هدفهای انقلاب خواهد رسید» (19/7/1368).

«همه باید هشیار باشند؛ ملت ما، زیدگان ما، مبلغان ما، روحانیون پرتلاش و خدوم ما، همه و همه توجه نکنند که حرکتی و اظهاری که به این نقشه دشمن کمک بکند، از آنها نباید سر بزند. ... بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمنند. ... دشمن از هر دو طرف تلاش می‌کند. از یک طرف غالی‌گری و ناصبی‌گری را ترویج می‌کند و شیعه را در چشم سنی، دشمن حقیقی معرفی می‌کند - بعضی از متحجرین دینی هم متأسفانه باور می‌کنند - از سوی دیگر شیعه را به اهانت به مقدسات و ارزشهای سنی وادار می‌کند. توطئه دشمن آن است که این دو مکتب را در مقابل هم قرار دهد. این اختلاف در جهت از بین بردن هویت یک ملت و در موضوعاتی ایجاد می‌شود که نباید بین آنها باشد» (6/12/1381 و 18/10/1385).

ی) تبلیغ و ترویج وحدت: «اتحاد را تبلیغ کنید. البته نمی‌گوییم الان اتحاد تحقق پیدا کند. طبیعی است که از حرف و عقیده و اعتقاد تا عمل فاصله ژرفی است؛ لیکن امروز اعتقاداً ترویج تفرق و تشتت می‌شود که نمونه‌هایش را می‌بینید. بایستی با این مبارزه و مقابله کرد» (13/12/1376).

«امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم؛ این وظیفه یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیرگذاری دارند. چه دولتها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هر کدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقایق را به آنها بگویند» (13/12/1388).

ک) روشنگری و افشای حقایق: «نخبگان سیاسی و فرهنگی و دینی در همه جای جهان اسلام باید خود را به افشای این حقایق، متعهد بدانند. این وظیفه اخلاقی و دینی همه ما است. کشورهای شمال آفریقا که متأسفانه امروز در معرض اختلافات عمیق داخلی قرار گرفته‌اند، بیش از همه باید به این مسئولیت عظیم؛ یعنی شناخت دشمن و شیوه‌ها و ترفندهایش، توجه کنند. ادامه اختلافات میان جریانهای ملی و غفلت از خطر جنگ خانگی در این کشورها، خطر بزرگی است که خسارت آن برای امت اسلامی به این زودیها جبران نخواهد شد» (2/8/1392).

ل) ایجاد امید به پیروزی دلهای مسلمانان: «دنیاى استکبار ۶۵ سال است که با همه وجود و توان سعی در این دارد که واقعیت وجود رژیم صهیونیستی را بر ملتهای مسلمان تحمیل کند و آنها را وادار به پذیرش این واقعیت کند، و نتوانسته است ... ۶۵ سال است که تلاش میکنند نام فلسطین را از یادها ببرند، [اما] نتوانستند. در همین چند سال اخیر در جنگ سی و سه روزه در لبنان، در جنگ بیست و دو روزه در غزه، و بار دوم در جنگ هشت روزه در غزه، ملت مسلمان و امت اسلامی نشان داد که زنده است و علی‌رغم سرمایه‌گذاری آمریکا و دیگر قدرتهای غربی، توانسته است موجودیت خود را، هویت خود را حفظ کند و به نظام تحمیلی جعلی صهیونیستی سیلی بزند» (29/10/1392).

«غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاریهای اقتصادی، ناکامیهای پی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراضهای عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی – که دامنه آن روزه‌روز گسترده‌تر شده است – مبارزات و جانفشانیهای مردم فلسطین و لبنان، قیامهای دلیرانه مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارتهای بزرگی برای امت اسلامی و به ویژه کشورهای انقلابی جدید است» (5/8/1390).

«من عرض بکنم بیداری اسلامی تمام شده نیست؛ این‌جور نیست که ما خیال کنیم که حالا با حوادثی که در بعضی از کشورها اتفاق افتاد، بیداری اسلامی از بین رفت. بیداری اسلامی یک حادثه سیاسی محض نبود که مثل یک کودتایی، مثل یک جابه‌جایی‌ای یکی بیاید و یکی برود، بعد دیگری بیاید او را از بین ببرد. بیداری اسلامی به

معنای این بود که یک حالت تنبیه و آگاهی و خودباوری با تکیه به اسلام در جوامع اسلامی پدید آمد؛ در شمال آفریقا بر طبق یک افتضائاتی، در مصر مثلاً یا در تونس یا قبل از اینها در سودان، حوادثی را به وجود آورد؛ در جاهای دیگر هم این زمینه بالقوه به طور کامل وجود دارد. این جور نیست که ما فکر کنیم که بیداری اسلامی از بین رفته است؛ نه، این یک واقعیتی در زیر پوست طاهری جوامع است» (14/06/1392).

نتیجه‌گیری

با عنایت به آموزه‌های دینی و آثار عملی وحدت و انسجام اسلامی، ضرورت این امر روشن و بدیهی است و به نظر می‌رسد لزوم تلاش برای تحقق عملی وحدت و دوری از تفرقه، جای هیچگونه شک و تردیدی ندارد و محل هیچ نوع تأمل و بحثی نیست. همان‌گونه که وحدت و تمرکز قدرت، ما را در نیل به آرمانها و اهداف مقدس، نیرومند و موفق می‌کند، پراکندگی و اختلاف هم قوای ما را تحلیل می‌برد و دچار ضعف و زبونی می‌سازد. چه زیبا گفت آن شاعر که:

صد هزاران خیط یکتا را نباشد قوتی/ چون بهم برتافتی اسفندیارش نگسلد

از آنجا که نقش اتحاد امت اسلامی در زندگی اجتماعی سیاسی آنان بسیار کارساز و مؤثر است، مسلمانان می‌توانند در پرتو آن به هر هدف و کار بزرگی که بخواهند با پیروزی و سرفرازی برسند، بدین جهت وحدت و انسجام ملی و اسلامی از مقوله‌هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب اهل بیت(ع) بوده است و تا گسترش واقعی اسلام بر تمام عالم ادامه پیدا خواهد کرد. مصلحان و عالمان زیادی اعم از شیعه و سنی به مقوله وحدت اسلامی توجه داشته‌اند که از جمله این بزرگان می‌توان به افرادی چون آیت‌الله تسخیری، شیخ محمد عبده، سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری و ... اشاره نمود.

1. بدون تردید امروز مسئله وحدت امت اسلامی و تلاش برای تقریب مذاهب از مهمترین دغدغه‌های رهبری به منظور جلوگیری از افزایش شکاف بین کشورها و ملت‌های مسلمان است. در مجموعه سخنان ایشان به ویژه در چند سال اخیر موضوع وحدت و بیداری و توطئه و شرارت دشمنان بیشترین کلیدواژه را به خود اختصاص داده است.

2. انتظارات و رهنمودهای ایشان در رابطه با ارائه مفهومی جامع و کاربردی از وحدت و تقریب، اهمیت و ضرورت آن، چگونگی تعامل علمای شیعه و سنی با یکدیگر در سطح ملی و جهان اسلام، نحوه مقابله با نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان و شناساندن ظرفیتهای امت اسلامی، طرد نفی افراطگرایی از سوی علمای مذاهب و امت اسلامی و ... می‌تواند اساس تدوین سیاست‌های کلان و راهکارهای اصولی و مهم برای مسئولان و مدیران در این عرصه باشند.

3. اصلیترین عامل به وجود آمدن شرایط فعلی جهان اسلام، دشمنان قسم خوردهای هستند که به کمتر از نابودی اسلام راضی نمیشوند. حقیقت غیر قابل انکار این است که امروز دشمنی با اسلام از سوی جبهه استکبار جهانی، دشمنی سازمان یافته و جدی و همهجانبه است. آنچه که برای استکبار مهم است، اسلام است. میخواهند اسلام را بزنند؛ مسئله شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمینگیر کردن امت اسلامی است. برای آنها شیعه و سنی فرق نمیکند. هر ملتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسک به اسلام بیشتر باشد، آنها از او احساس خطر میکنند؛ همه کشورهای اسلامی، از همه دولتهای اسلامی باید بصیرت را به کار بگیرند و در شناخت نقشه‌های دشمن اشتباه نکنند؛ نخبگان و علماء و روشنفکران و طیفه سنگینی در این مقطع بر دوش دارند و باید مردم را از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برحذر بدارند.

از جمله نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر میتوان به ارائه الگوی متقابل وحدت- گفتگو اشاره کرد. در این مدل، چنان که بدان اشاره شد، پرداختن به ضرورت وحدت و موانعی که مانع وحدت میان مذاهب اسلامی میشود، میتواند به عنوان پایه و اساس گفتگوی بین مذاهب مورد توجه قرار گیرد. اگر با احصای مشکلات و موانع موجود در میان راه وحدت میان امت اسلامی، به حل آنها انجامیده شود، میتوان به راهبرد گفتگو به مثابه یکی از محورهای اساسی برای وحدت میان شیعه و سنی نظر کرد؛ چنان که در دوره اخیر و از سوی بزرگان شیعه و سنی، محافل و مجالس این چنینی تشکیل شده و بر گفتگوی بین یکدیگر تأکید ورزیده و این را به عرصه عمل کشانده‌اند. این عرصه چشم انتظار مطالعات و تحقیقات نظری بسیاری است که هر یک میتواند بخشی از آن را حل و فصل کند و به وحدت حقیقی و نه صوری میان مذاهب اسلامی منجر شود و از اختلافاتی که باعث چشمداشت دشمنان اسلام شود، جلوگیری گردد.

با جمع بندی تمامی عناصر و اگرمانند تفاوت در مذهب و حتی تضاد در منافع و دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی میتوان همواره امیدوار بود که با توسل به اشتراکات دینی بتوان ابتدا در سطح اندیشمندان و متفکران جهان اسلام جریانی از گفتگو و هم اندیشی را آغاز نمود تا این راهبرد، زمینه را برای گفتگوهای میان سران سیاسی کشورهای اسلامی بر اساس اشتراکات دینی و منطقه‌ای فراهم گرداند. یکی از نقاط ضعف پیرامون گفتگوی دنیای اسلام همواره عدم درک مناسب دغدغه‌های فکری و امنیتی و... مذاهب اسلامی از یکدیگر است، که این خود بازگو کننده عدم وجود سازوکاری مشخص و سازمان یافته در راستای نزدیکی و گفتگوی میان تمامی مذاهب اسلامی است که این نوشتار سعی کرد با برشمردن اشتراکات نیرومند و بنیانی میان تمامی مسلمانان نشان دهد که میتوان با تکیه بر این اشتراکات راه گفتگو و تعامل و در پایان آرمان وحدت میان مسلمانان را هموار کرد.

اگر حوزه های علمیه با نگرش تمدنی امام راحل همراه نشوند، مساله تقرب و وحدت جلو نخواهد رفت. مساله ای که خاستگاه مذهبی دارد را باید مبلغان دین تبلیغ کنند. از همین رو ترویج گفتمان وحدت و تقرب در بدنه حوزوی از مهمترین و با اولویت ترین اقدامات مربوطه است.

1. تولید بروشورها و نشریاتی که تبیین سیره تقریبی اهل بیت علیهم السلام را داشته باشند
2. تبیین نگرش تمدنی حضرت امام و مقام معظم رهبری مبتنی بر منشور روحانیت و سایر سخنان ایشان با علما و روحانیون با تولید بروشور حاشیه ای بر منشور روحانیت
3. تهیه استفتا از مراجع عظام و نشر استفتاهای صورت گرفته مرتبط درباره مساله تقرب و وحدت اسلامی و مسائل مبتلا به و همچنین تندروی های برخی شیعیان افراطی
4. تهیه نمایشگاه تبیین اثرات سوء افراطی گرایی برخی شیعیان در کشورهای دیگر و در «تبدیل اعتدال اهل سنت به افراطی گری»
5. تشکیل چند درس تخصصی درباره «فقه الوحده» و «نظریه التعایش» و «سیره اهل بیت در مواجهه با مخالفان»
6. تولید کتابچه یا جزوات منبرهای تقریبی جهت ارائه در مخاطبان شیعه و همچنین مخاطبان سنی مذهب
7. تشکیل گروه «مبلغان وحدت» جهت اعزام در ایام هفته وحدت و حضور در مساجد و مدارس و منازل اهل سنت با پیام نفی افراط توسط علما و قاطبه شیعیان و جهت ایجاد صمیمیت و همدلی اسلامی
8. استفاده از روحانیون معتدل اهل سنت بعنوان سخنران در مدارس علمیه جهت طرح مساله حب اهل بیت و دشمنی با دشمنان ایشان جهت تغییر تصویر ذهنی ساخته شده توسط افراطیون
9. برگزاری دوره های فشرده «جریان شناسی فرق تسنن و تشیع» جهت بازشناسی جریانات اعتدالی و افراطی و تغییر تصویر ذهنی
10. برگزاری همایش تقدیر از چهره های علمی و تبلیغی حوزه در زمینه تقرب مذاهب و ایجاد همدلی اسلامی و نفی افراط گرایی که در سطح داخلی و خارجی فعالیت های موثری داشته اند

11. برگزاري برنامه نمايش فيلم و مستندهاي تقريبي در مدارس علوم ديني.

12. تقويت جريان علمي «فقه مقارن» با رويکرد تقويت ارتباطات علمي و عملي حوزه هاي علميه جهان اسلام

13. دعوت از چهره هاي علمي براي ارائه نظريات جديد خود در جلسات كرسي هاي نظريه پردازي در مدارس علوم ديني.

14. برگزاري اردوهاي بازديد از حوزه ها و مراكز علمي اهل سنت و تشيع ايران و آشنا سازي طلاب و اساتيد حوزه هاي علميه شيعه و سني با يكديگر .

15. توليد فلش كارت ها و پوسترهاي حاوي خاطرات و سيره تقريبي علماي بزرگ شيعه و سني جهت نصب در حجره طلاب

16. جهت دهی به مراكز اطلاع رساني حوزوي جهت توجه بيشتر به مساله وحدت اسلامي و تبیین نقش قدرت زاي آن براي امت اسلامي مبتني بر آيه «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم»

17. برگزاري جلسات آموزشي فرق و مذاهب بصورت کاربردي و ميداني براي طلابي كه در مناطق مشترك به تبليغ مي پردازند .

18. گنجاندن برخي جزوات و كتب در عناوين درسي دوره سطح .

20. تبیین صحیح حدود و ثغور مقوله وحدت اسلامي و طرد نگاههاي افراطي و تفریطي مبتني بر مباني تشيع و تسنن.

21. تقدير از پايان نامه هاي مقارن و تقريبي حوزه علميه.

فهرست منابع و مآخذ:

قرآن کریم.

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ اول.

آقانوری، علی، (1387)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

[امید حسین خانی؛ محمد رجایی نژاد، \(1394\)، جیل الممتن، دوره چهارم، شماره دهم \(ویژه گفتگوی مذهبی\)، صفحه 21-6.](#)

آنسف، ایگور (1381)، "استقرار مدیریت استراتژیک"، عبدا زنده، انتشارات سمت.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (1413ق)، «همراه با بنیان گذاران تقریب»، تهران، مجله رساله تقریب، سال اول، شماره اول.

تسخیری، محمدعلی، «کنفرانس مطبوعاتی»، (بهار 1386ش)، در: «گزارشی از برگزاری بیستمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی»، مجله فروغ وحدت، شماره 7.

جعفریان، رسول، (بی تا)، سیره رسول خدا (ص)، بی جا. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.

دهخدا، علی اکبر، دهخدا، (1370)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

رجبی، محمدحسن، (1379)، علمای مجاهد، قم، مکتب اسلام.

سایت مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir.

سبزيان، علي اكبر، (1386)، منشور اتحاد ملي و انسجام اسلامي، قم، انتشارات خادم الرضا.

شهیدی، سیدجعفر، (1378)، تاريخ تحليلي اسلام، تهران، نشر دانشگاهي.

قاموس قرآن، (1421ق)، دمشق، دارالصادر.

کاشف الغطاء، منادي وحدت، (1384)، گفتگو با عبدالکریم بي آزار شیرازی، قم، آوای بيداري.

کتاب العين، (1388ق)، بيروت، التراث.

گروهی از نویسندگان، (1350ش)، همبستگی مذاهب اسلامي، تهران، امیر کبیر.

لسان العرب، (1409ق)، مصر، دار الالحیاء.

مطهری، مرتضی، (1389)، شش مقاله، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر، (1382)، نمونه، قم، امیرالمومنین.

نرمافزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) (از سري نرمافزارهاي مجموعه نور)، بیتا، تهران، مؤسسه
تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مرکز تحقیقات کامپیوتري علوم اسلامي.